

سند سیاسی پیشنهادی به کنگره هفتم

## اصلاحات ، سیاست ها و راهکارها

### ۱. ژرفش جنبش مدنی

\* جنبش مدنی در کشور ما از قدمت صد ساله برخوردار است. هدف اصلی این جنبش نفی هر گونه ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد ، استقرار مردم سالاری و جمهوری دموکراتیک و لائیک در کشور ما است . جنبش مدنی که از دوم خردادسال ۷۶ باینسو در شکل جنبش اصلاح طلبانه بر آمد کرده است ، با وجود اینکه تا رسیدن به هدف اصلی آن فاصله دارد ، ولی در این سالها تعمیق یافته ، در جامعه ریشه دوانده و به دستاوردهای ارزنده ای نائل آمده است .  
ما از جایگاه جنبش مدنی و از موضع تقویت آن حرکت میکنیم .

### ۲. جنبش اصلاحات و دستاوردهای آن

\* جنبش اصلاح طلبانه بمشابه ظرف کنونی جنبش مدنی ، برخاسته از نیاز جامعه ما به تحول بنیادین و پیامد دگرگونی در ساخت اجتماعی است. جنبش اصلاح طلبانه ، جنبشی است رادیکال که ریشه در مطالبات اقشار مدرن جامعه دارد . هدف این جنبش نفی ولایت فقیه ، دموکراتیزه کردن ساختار قدرت و ایجاد نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروههای مختلف اجتماعی است. خصلت این جنبش مسالمت آمیز و گفتمان آن اصلاح طلبانه و قانون گرایانه است .  
اکثریت مردم کشور ما نیروی اجتماعی این جنبش هستند. در این جنبش نقش روزنامه نگاران ، روشنفکران ، جوانان ، دانشجویان و زنان چشمگیر و بارز است .

\* جنبش اصلاحات با وجود اینکه به اهداف خود دست نیافته است ، ولی دستاوردهای آن قابل تاکید است : دگرگونی در گفتمان سیاسی ، ارتقا آگاهی سیاسی مردم و پی بردن آنها به ارزش و جایگاه رای خود ، تقویت کرایش مردم سالاری در جامعه ، ارتقا آگاهی مردم از حقوق شهروندی ، فراهم آوردن زمینه های گسترش نهادهای مدنی ، نرم کردن ساخت های متصلب سیاسی و بالا بردن هزینه کاربست قهر .

### ۲. ارزیابی از وضعیت اصلاحات و جنبش اصلاح طلبانه

\* جنبش اصلاحات با دو مولفه آن ، یعنی اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی تعیین مییابد . در چند سال گذشته اصلاح طلبان بیرون از حکومت در حمایت از اصلاحات هیچ فرصتی را از دست نداده و برای تداوم و تعمیق آن مبارزه کرده اند . گرچه اصلاح طلبان غیر حکومتی دارای کمیت و کیفیت بالائی هستند ولی بعلت سرکوب و پراکندگی ، همچنان از سازمان نیافتگی رنج می برند. و لذا هنوز مبارزه درسطح جامعه عمدتا حول این نیرو و تمامیت گرایان تمرکز نیافته است .

### حاکمیت دو گانه

\* در جمهوری اسلامی حاکمیت دو گانه شکل گرفته است که منشا مشروعیت یکی از ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه ( جناح تمامیت گرا ) و دیگری از رای و انتخاب مردم ( جناح اصلاح طلب ) است. جناح تمامیت گرا دست بالا را در ساخت سیاسی جمهوری اسلامی دارد .

این جناح ضرباتی را که جنبش اصلاح طلبانه بر آن وارد آورده بود ، باز سازی کرده و موقعیت خود را در ساخت حکومتی

ثبیت نموده است. با این وجود قادر نیست جناح اصلاح طلب را حذف کند. حاکمیت دوگانه زمینه ساز بحران سیاسی و تداوم چالش در جمهوری اسلامی است .

## تمامیت گرایان : ابتکار در "بالا" ، انزوا در "پائین"

\* تمامیت گرایان بعد از شکست در انتخابات دوره ششم مجلس شورا دریافتند که در صحنه انتخابات همواره بازنده اند . آنها با یورش سازمان یافته به اصلاحات ، صحنه اصلی مبارزه را از پای صندوق های رای بدرون حکومت و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه کشانده اند. جایی که از نیرو و موقعیت برتری برخوردارند . ولی فقیه در راس این یورش قرار دارد . خامنه ای و گرایش مصلحت گرا در طیف تمامیت گرایان بعد از انتخابات دوره ششم مجلس شورا ابتکار عمل را بدست گرفته و با اتخاذ استراتژی جدید و اجرای گام بگام آن و بهره گیری ابزاری از قانون ، انسجام را در صفوف این جناح تامین و اصلاحات را گام عقب نشاندهند . محتوی این استراتژی عبارت است از : "توسعه سیاسی نه ، اما اصلاحات از نوع فقهاتی آری " .

این استراتژی مصادره اصلاحات و جایگزینی آلترناتیو خود بجای توسعه سیاسی را مد نظر دارد و هدف آن تهی کردن جنبش اصلاحات از محتوای واقعی آن است . مجریان این استراتژی از یکسو نیروهای جناح خود را برای تن دادن به اصلاحات در عرصه های محدود و معین آماده میکنند و از سوی دیگر با توسل بانواع حیل از جمله "قانون" و سرکوب ، اصلاح طلبان حکومتی را در حد "برنامه حداقل" آنان متوقف ساخته اند. آنها در دو سال گذشته در صدد کاستن از شکاف بین دو جناح و سوق دادن اصلاحات به نقطه "اپتیموم" بودند .

\* حلقه های تاکتیکی این استراتژی را میتوان چنین جمع بندی کرد :

- تعطیل مطبوعات مستقل و منتقد که وسیله ارتباط اصلاح طلبان با مردم و بازوی قدرتمند آنها بودند و در شکل گیری افکار عمومی و بشکست کشاندن نقشه های تمامیت گرایان نقش موثر ایفا میکردند .
- دستگیری و بزندان افکندن چهره های شاخص اصلاح طلب و روزنامه نگاران شجاع و محروم کردن جنبش اصلاحات از افراد کارآمد . - بالا بردن هزینه سیاسی و انسانی اقدامات رادیکال .
- سرکوب جنبش دانشجویی و سوق دادن آن به انفعال و تشدید شکاف در درون آن .
- تشدید اختلاف در درون جبهه دوم خرداد از کانال زیر ضرب گرفتن اصلاح طلبان رادیکال و تمرکز فشار بر روی آنها، تلاش برای جلب گرایش سنتی و محافظه کار و تقویت گرایش معتدل .
- بهره برداری از سیاست "آرامش فعال" و سیاست و روش اعتدالی خاتمی
- بالا بردن هزینه ارتباط گیری و همکاری بین اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت .
- حذف نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی .
- دفاع ریاکارانه از خواست ها و مطالبات برخی گروههای اجتماعی ، دست گذاشتن برمسائل اقتصادی ، فقر و اشتغال برای اعمال فشار بر اصلاح طلبان .
- و سرانجام ایجاد بحرانهای سیاسی و گاه نظامی خارجی ، و یا بهره برداری جناحی و مغایر با منافع ملی کشور علیه اصلاحات از بحرانهای منطقه ای و بین المللی .

\* تمامیت گرایان با کاربست این استراتژی در سوق دادن اصلاحات به رکود و تحمیل محدوده های تنگ بر آن موفقیت زیادی بدست آورده اند. موقعیت برتر آنها در حکومت ، انتقال صحنه اصلی مبارزه از مطبوعات و جنبش دانشجویی به درون ساخت قدرت از یکسو و از سوی دیگر تناقضات فکری و سیاسی ، تعلل ها و تزلزل های اصلاح طلبان حکومتی ، ضعف تئوری و فقدان استراتژی آنها و سرانجام ضعف سازمانی اصلاح طلبان غیر حکومتی پارامترهای موثر در کامیابی تمامیت گرایان بوده است . با این وجود آنها نتوانستند برپایگاه اجتماعی خود بیفزایند . انتخابات ۱۸ خرداد نشان داد که

موقعیت آنها در بین افکار عمومی ضعیف تر گشته و در بین مردم منزوی تر شده اند . انزوای دم افزون آنها در داخل کشور با روند دیگری هم تکمیل میشود که خصلت منطقه ای و بین المللی دارد . با حذف شدن " طالبان " در افغانستان و ضربه خوردن بنیادگرایی اسلامی در منطقه ، تمامیت گرایان اسلامی تحت فشار قرار گرفته اند و در آینده تحت فشار بیشتری قرار خواهند گرفت. آنها علیرغم موفقیتشان در به رکود کشاندن اصلاحات، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی بیش از پیش بی آینده میشوند .

\* در بین تمامیت گرایان دو گرایش بارز وجود دارد : گرایش مصلحت گرا و افراطی . جریان افراطی قبل از انتخابات دوره ششم مجلس شورا پیشقراول تهاجم اصلاحات بود. گرایش مصلحت گرا با تهاجم سازمان یافته به روند اصلاحات ابتکار عمل را بدست گرفت و از گرایش افراطی بمثابه اهرم فشار علیه اصلاح طلبان بهره جست .

## اصلاحات در بحران

\* اصلاحات با تهاجم سازمان یافته تمامیت گرایان و ناتوانی و تزلزل اصلاح طلبان حکومتی به رکودگرانیده و با بحران روبرو است . اما مولفه های اجتماعی جنبش اصلاحات پا برجا است و اکثریت مردم ، نهادهای مدنی ، جنبش های اجتماعی و افکار عمومی خواهان تداوم و تعمیق اصلاحات هستند. رشد شهر نشینی ، افزایش روشنفکران و دانشجویان ، مشارکت پذیری زنان ، ارتقا آگاهی سیاسی مردم و شکل گیری افکار عمومی ، گسترش اطلاعات و ارتباطات و روند های جهانی بستر مساعد برای پیشرفت اصلاحات است .

\* با برگزاری انتخابات دوره ششم مجلس شورا و انتقال نهادهای انتخابی به اصلاح طلبان حکومتی و دیوار بدیوار شدن اصلاحات با نهادهای غیر انتخابی از یکسو و از سوی دیگر تهاجم سازمان یافته تمامیت گرایان به دستاوردهای اصلاحات با توسل به نهادهای غیر انتخابی و وابسته به ولایت فقیه ، اصلاحات به سد ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه برخورد کرده است. ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه مانع اصلی تداوم و پیشرفت اصلاحات است. این امر در شرایط کنونی دیگر ارزیابی و پیش بینی نیست که ما در کنگره ششم بر آن تاکید کردیم ، بلکه واقعیت مرکزی صحنه سیاسی کنونی کشور است .

\* اصلاح طلبان حکومتی با رویکرد به سیاست " آرامش فعال " ، از کاربست استراتژی " فشار از پائین " و " چانه زنی در بالا " فاصله گرفتند و نیروهای جنبش اصلاحات از جمله جنبش دانشجویی را بسوی انفعال و کم تحرکی سوق دادند . آنها توانستند مقاومت در مقابل تهاجمات تمامیت گرایان را سازمان دهند. پیشبرد سیاست " آرامش فعال " برجانبش اصلاحات ضربه زد و بستر مساعدی را برای پیشروی تمامیت گرایان فراهم آورد .

اصلاح طلبان حکومتی تا کنون فرصت های گرانبهایی را از دست داده اند .

\* اصلاح طلبان حکومتی از ابتدا سیاست جلب نظر ولی فقیه ، دور زدن و خنثی نگهداشتن او را در پیش گرفتند . هدایت تهاجم علیه اصلاحات توسط ولی فقیه ، ناکارایی این سیاست را نشان داد . با این وجود آنها این سیاست را ادامه میدهند .

\* سیاست اصلاح طلبان حکومتی این بود که گرایش افراطی در جبهه تمامیت گرایان را منزوی و منفرد کنند و گرایش " خردگرا " را بامید پذیرش قواعد انتخابات شکل دهند. این سیاست شکست خورد و تمامیت گرایان انسجام خود را حفظ نموده و تن بقواعد بازی نمیدهند .

\* اصلاح طلبان حکومتی فاقد تئوری و استراتژی برای پیشبرد اصلاحات هستند . آنها پاسخ روشن به چگونگی دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی و مناسبات دین و حکومت نداده اند .

\* اصلاح طلبان حکومتی نسبت به نهادسازی و سازمان دهی گروه های اجتماعی ، طرح مطالبات اقشار و طبقات پائین و میانی جامعه و جنبش های اجتماعی کم توجه بوده و برای رفع موانع سازمانیابی گروه های اجتماعی ، تاسیس و قوام نهادهای مدنی تلاش کافی بعمل نیآوردند. آنها از درک نقش احزاب و تشکل های سیاسی و مدنی که با سازماندهی نیروهای اجتماعی میتوانند توازن قوا را بسود جریان اصلاح طلبی تغییر دهند ، باز مانده اند .

محتوویت های سیاسی و محدودیت های فکری ، مانع از اتخاذ مشی بسیج نیروهای اجتماعی از سوی آنها است .

\* بخش قابل توجه ای از اصلاح طلبان حکومتی نسبت به قانون اساسی برخورد یکجانبه و گاه قدسی دارند . آنها از ظرفیت های موجود در قانون اساسی و از موادی که مسکوت گذاشته شده است ، سخن میگویند ، اما تجربه نشان داد هر موقع آنها در این جهت گام بر داشته اند با سد نهادهای غیر انتخابی روبرو شده و نتوانسته اند کاری از پیش ببرند .

اکثریت اصلاح طلبان حکومتی از طرح تغییرات در قانون اساسی و پیشبرد کارزار در این زمینه اجتناب میورزند .

\* جنبش اصلاحات فاقد برنامه ، رهبری و ستاد هدایت کننده است. اصلاحات توسط خاتمی طرح و تبلیغ شد . نقش او در اشاعه اندیشه های اصلاح طلبانه قابل تاکید است. ولی وی بعلت موقعیتش در ساخت سیاسی ، دیدگاهها و خصوصیت فردی اش نمیتوانسته و نمی خواسته رهبر جنبش اصلاحات باشد .

نقش او بعنوان سمبل اصلاحات در ذهنیت مردم در حال تضعیف است .

\* رویدادهای بعد از انتخابات ۸۰ ، ترکیب کابینه و اظهارات خاتمی مشخص کرد که وی با صراحت بیشتر نسبت بسابق از موضع اصلاحات رادیکال و پیگیر فاصله گرفته و در صدد پیشبرد " اصلاحات معتدل " است . خاتمی میخواهد اصلاحات بگونه ای پیش برود که هزینه آن از جهات مختلف کاهش یابد ، از دامنه تشنجات در درون حکومت کاسته شود و فضای آرام برای اجرای برنامه سوم فراهم آید .

او برآنست که دستاوردهای چهار ساله گذشته را حفظ کند و به میزان محدودتری اصلاحات سیاسی را بدون چالش جدی با ولی فقیه و نهادهای وابسته بآن از طریق "تعاملات تدریجی" و "قانونی" پیش ببرد. "اعتدال" برای او بعنوان استراتژی ، تاکتیک و روش مطرح است . او میکوشد خواستههای مردم را به توانائی های جمهوری اسلامی محدود سازد .

تن دادن خاتمی به فشارهای تمامیت گرایان و عدم اتکا او به نیروی اجتماعی اصلاحات در به رکود کشاندن اصلاحات موثر بوده است .

\* خاتمی جایگاه خود را در بین گرایشهای اصلاح طلبانه و ساختار سیاسی روشن کرده است : حرکت در چارچوب "قانون" ، ساختار سیاسی موجود و بدون دگرگونی ساخت قدرت . اما تمامیت گرایان راههای قانونی پیشرفت اصلاحات را بسته اند و روز بروز حلقه محاصره را تنگ تر میکنند .

\* استراتژی " بازدارندگی فعال " توسط بخش هائی از اصلاح طلبان حکومتی مطرح شده است . ولی هنوز نه جهات عملی آن روشن است و نه به سیاست عملی و فراگیر جبهه دوم خرداد فراروئیده است .

\* در بین اصلاح طلبان حکومتی گرایشهای مختلف شکل گرفته است : گرایش رادیکال ، معتدل ، سنتی و محافظه کار . گرایش رادیکال خواهان شتاب گیری اصلاحات ، دمکراتیزه کردن تمام بخش های ساختار سیاسی و برخورد قاطع و پیگیر با امر اصلاحات است و توجه بیشتری نسبت به پایه اجتماعی اصلاحات مبذول میدارد ( اصلاحات رادیکال ). گرایش معتدل معتقد به آهنگ آرام و بطئی و دمکراتیزه کردن بخش هایی از ساختار سیاسی و وارد نشدن بخش های دیگر به روند دمکراتیزاسیون و کاربست شیوه های معتدل است و نسبت به پایه اجتماعی اصلاحات توجه کمتری دارد ( اصلاحات معتدل ) . گرایش سنتی و محافظه کار خواستار اصلاحات اندک و محدود نسبت بدوره قبل از دوم خرداد است . در حال حاضر وزن سنگین در طیف جبهه دوم خرداد با گرایش معتدل است .

تقسیم بندی مزبور گرایش عمومی را در طیف اصلاح طلبان حکومت نشان میدهد. با این وجود در این طیف برخی از نیروها بلحاظ برنامه ای رادیکال و بجهت شیوه برخورد معتدل هستند و بالعکس . بعضی نیروها نیز بین این گرایش ها نوسان دارند .

### نیروهای اجتماعی جنبش اصلاحات در مسیر برآمدهای مستقل

\* مطبوعات مستقل و منتقد قبل از انتخابات مجلس گرانیکه مبارزه جبهه دوم خرداد علیه تمامیت گرایان بود . با یورش به

مطبوعات تعطیلی آنها ، از موقعیت مطبوعات و نقش هدایتگری آنان کاسته شد و روزنامه های جایگزین هم بعلت فشارهای وارده نتوانستند جای آنها را پر کنند .

\* فعالیت فرهنگی ، ادبی و هنری نویسندگان ، شعرا ، هنرمندان و روشنفکران مستقل کشور که در پی ریزی تحولات فکری و فرهنگی و اشاعه فرهنگ دموکراتیک و مدرن و مبارزه علیه دیدگاههای ارتجاعی نقش مهمی دارند و درسالهای اخیر بر میزان آنها بطور قابل ملاحظه ای افزوده شده است ، با وجود فضای اختناق گسترش پیدا کرده است .

\* بحران در واحدهای تولیدی ، تعویق پرداخت دستمزدها ، اخراج کارگران ، خصوصی سازی واحدهای تولیدی بدون پیشبرد سیاستهای حمایتی ، تشدید فقر و فلاکت کارگران ، بی توجهی دولت ومجلس به مطالبات آنها ، زمینه ساز اعتراضات کارگری شده است . جنبش کارگری در حال حاضر گسترده ترین جنبش اعتراضی در کشور است ولی هنوز به جنبش سیاسی و آزادیخواهانه فرا نرویده است . گرایش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری در صفوف کارگران تقویت شده است .

\* جنبش دانشجویی در معرض یورش مداوم محافظه کاران قرار دارد . عده قابل توجهی از عناصر موثر آن در زندانها بسر میبرند .

جنبش دانشجویی بعنوان اثر گذارترین نیرو در روند اصلاحات بعد از فاجعه کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز و رویکرد به سیاست " آرامش فعال " به انفعال گرائید و نتوانست نقش بارز و قابل توجه ای در روند اصلاحات بازی نماید . چالش ناگزیر بین گرایش مدرن و سنتی ، به شکاف در دفتر تحکیم وحدت انجامیده است . دفتر تحکیم وحدت بنوعی دچار رخوت و سستی سیاسی شده است . گرایش به استقلال تشکل های دانشجویی از جناح های حکومتی و ایجاد تشکل های نواندیش در بین دانشجویان تقویت شده است .

\* جوانان که فعال ترین نیرو در انتخابات دوم خرداد و بعد از آن بودند ، بعلت برآورده نشدن مطالباتشان ، به رکود گرائیدن اصلاحات و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی با گامهای شتابان از اصلاحات فاصله میگیرند .

جوانان انفجاری ترین نیروی اجتماعی در کشور ما هستند . حرکات اعتراضی جوانان گسترش یافته است . ولی این حرکات فاقد سازماندهی و اهداف معین بوده و صرفا شورش علیه وضع موجود است . جوانان از بالاترین پتانسیل نافرمانی مدنی برخوردارند .

\* مبارزه زنان برای تغییر قوانین ناعادلانه و کسب حقوق سیاسی و اجتماعی ، برابرحقوقی زن ومرد و علیه دیدگاه و فرهنگ مردسالاری و مقاومت آنها در برابر فشارهای حکومت در حال گسترش است .

\* نهادهای مدنی با وجود موانع متعدد در عرصه های مختلف پا گرفته اند . ولی هنوز از آنچنان قوام و موقعیت برخوردار نیستند که در روند اصلاحات نقش موثر ایفا کنند .

\* مبارزه برای تحقق حداقل حقوق ملی هم در عرصه سیاسی و هم ملی در حال گسترش است . این مبارزات که عمدتا با شعار اجرای مواد بکلی فراموش شده ای از قانون اساسی جریان دارند ، خصلت بسیج گرانه پیدا کرده اند . این حرکات ضمن اینکه خود را جزو جنبش اصلاح طلبانه میدانند ولی عمدتا مستقل از اصلاح طلبان حکومتی هستند .

در بین این نیروها - که مولفه های جنبش مدنی هستند و در شرایط کنونی بریستر جنبش اصلاحات حرکت میکنند - گرایش به استقلال و بر آمد در سیمای مستقل قویا رشد یافته است . آنها عمدتا خواستار پیشبرد اصلاحات رادیکال و پیگیر هستند .

## روندهای بین المللی

\* روندهای بین المللی بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر بزبان بنیادگرایان در منطقه و ایران پیش میرود اما هنوز تاثیر قابل ملاحظه ای بر صف آراییی های سیاسی و توازن قوای موجود در ایران نگذاشته است . روند های بین المللی امکانات جدیدی را برای جنبش اصلاحات فراهم آورده است که در صورت اتخاذ سیاست های مناسب ، میتوان از آن بسود تداوم و تعمیق اصلاحات بهره گرفت .

## ۴. سیاست های ما

\* اصلاحات و جنبش اصلاح طلبی از دوم خرداد سال ۷۶ باینسو قوی ترین و گسترده ترین گرایش سیاسی و اجتماعی در کشور ما بوده است . نتایج انتخابات ۱۸ خرداد نشان داد که این جنبش هنوز از پایگاه وسیع اجتماعی برخوردار است . اما با تداوم رکود اصلاحات و تصریح و تاکید خاتمی به "اصلاحات معتدل" ، تزلزل ها و ناتوانی اصلاح طلبان حکومتی ناامیدی از روند اصلاحات و اصلاح طلبان حکومتی در بین نخبگان جامعه و بویژه در بین جوانان شتاب گرفته است . بر اثر این وضع نافرمانی مدنی بتدریج گسترش

مییابد ، شکاف ملت - دولت در سطح گسترده تر باز تولید میشود و مبارزات از پای صندوقهای رای به خیابانها انتقال مییابد . علانی از چرخش در جامعه مشاهده میشود .

\* باآنکه فرصت ها و امکانات برای تداوم اصلاحات در جامعه بتمامی از بین نرفته است و امکان فعال کردن و سازمان دادن نیروی اجتماعی اصلاحات هنوز هم وجود دارد ، اما اگر کشایشی در روند تداوم اصلاحات بوجود نیاید ، این احتمال بالا است که مردم راههای دیگر را تجربه کنند و آن فرصت تاریخی و نادر که برای تحقق تحول در ساختار قدرت بطور تدریجی و با هزینه کم در جامعه بوجود آمده بود ، از دست برود .

\* ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه سد تداوم و تعمیق اصلاحات است . تمامیت گرایان برهبری ولی فقیه راههای قانونی پیشرفت اصلاحات را بسته اند و در فاصله بین مصوبات مجلس شورا و اجرای آن سد ایجاد کرده اند . مردم به تجربه دریافته اند که نمیتوان هم اصلاحات را تداوم و تعمیق بخشید و هم ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه را حفظ کرد .

\* راه پیشروی اصلاحات تغییر توازن قوای موجود بزبان تمامیت گرایان و بسود اصلاح طلبان است . تحقق این امر در درجه اول منوط به کنار گذاشتن سیاست " آرامش فعال " ، تدوین استراتژی اصلاحات ، تشکیل ستاد رهبری کننده اصلاحات ، استفاده از تمام ظرفیت ها و امکانات نهادهای انتخابی تا حد مقدور ، خاتمه دادن به مرزبندی " خودی " و " غیر خودی " و دفاع قاطعانه از آزادی فعالیت جریانهای سیاسی غیر حکومتی ، تکیه بر پایه اجتماعی اصلاحات و ایجاد پیوند گسترده و ارگانیک با آن ، تقویت هرچه بیشتر نهادهای مدنی ، فعال کردن ظرفیت های نهفته در جامعه ، بسیج و سازماندهی نیروی پیشبرد اصلاحات و مقاومت سازمان یافته در برابر تهاجمات تمامیت گرایان است . ضرورت عاجل دارد که بیشترین و وسیع ترین نیرو در مقابل تهاجمات تمامیت گرایان سازمان داده شود و راههای فراخواندن مردم واعمال قدرت آنها جستجو گردد . رفراندوم از جمله این راهها است .

\* ترکیب جوان جمعیت کشور ، مطالبات انباشته شده مردم ، برآورده نشدن خواستههای تاریخی جامعه ، سخت جانی استبداد ولایت فقیه ، مشکلات اقتصادی و معیشتی ، معضلات متعدد اجتماعی و رشد تضادها بیانگر نیاز به تحول اساسی در جامعه ما و در دستور قرار گرفتن آن است . بنظر ما اصلاحات رادیکال در شرایط کنونی گزینه مطلوب و تنها راه برون رفت جامعه از بحران و مشکلات موجود و خواست اکثریت مردم است .

\* بر پایه چنین استنتاج سیاسی است که ما تلاش میکنیم که جبهه اصلاحات و در درون آن قطب اصلاح طلبان رادیکال و پیگیر تقویت شود . سازمانهای سیاسی اصلاح طلب در داخل و خارج از کشور ، جنبش های اجتماعی و نهادهای مدنی ، روزنامه نگاران آزادیخواه ، روشنفکران و چهره های سیاسی اصلاح طلب ، نیروهای اصلاحات رادیکال و پیگیر هستند . وزنه

اصلی این نیرو در خارج از حاکمیت است .

تلاش ما این است که اصلاح طلبان غیر حکومتی (نیروی سوم) سازمان پیدا کرده و موقعیتشان در جامعه تقویت شود. این امر میتواند در تداوم و تعمیق اصلاحات و در تقویت قطب اصلاح طلبان رادیکال و پیگیر نقش موثر ایفا کند .

\* اهداف اصلاحات رادیکال عبارتند از: طرد استبداد حاکم ، دمکراتیزه کردن ساختار سیاسی و استقرار مردم سالاری ، تامین حقوق شهروندان ، آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ، ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و تامین مطالبات گروه های مختلف اجتماعی .

\* ولی فقیه و نهادهای وابسته بآن مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی هستند . سیاست ما افشا برنامه ، سیاست ها و اقدامات آنها است . ما ضمن تکرار مخالفت اصولی خود با حذف فیزیکی مخالفان ، بر طرد نیروهای افراطی و خشونت طلب تاکید ویژه داریم.

\* سیاست ما تقویت گرایش رادیکال و پیگیر ، نقد مواضع گرایش معتدل و اعمال فشار بآن جهت پیشبرد پیگیر اصلاحات و خنثی نگهداشتن گرایش سنتی و محافظه کارانه در بین اصلاح طلبان حکومتی است . ما نسبت به مواضع و اقدامات اصلاح طلبان حکومتی ، از موضع نقد سازنده و تاثیرگذار برخورد میکنیم .

\* ما ضمن تاکید بر تداوم مبارزه در ساخت قدرت برای پیشبرد اصلاحات ، معتقدیم که کرانیکه جنبش اصلاحات باید بر دوش مجموعه احزاب سیاسی ، نهادهای مدنی و جنبش های اجتماعی تمرکز یابد .

\* ما از گسترش حرکات اعتراضی مسالمت آمیز ، از نافرمانی مدنی و از اعمال فشار از "پائین" از جانب جنبش های اجتماعی و نهادهای مدنی دفاع میکنیم و آنرا در راستای تداوم و تعمیق اصلاحات و بهم خوردن توازن قوای موجود در "بالا" میدانیم .

\* ما قاطعانه از موازین دمکراتیک ، حقوق فردی ، سیاسی و اجتماعی شهروندان دفاع و علیه نقض آن مبارزه میکنیم .

## ما نیروهای حامی جنبش اصلاح طلبانه را به سازماندهی مقاومت علیه تعرض

## تمامیت گرایان ، دفاع از دستاوردهای اصلاحات و مبارزه برای تداوم و تعمیق

## اصلاحات فرا میخوانیم !

مطبوعات مستقل و منتقد ، روزنامه نگاران آزادیخواه ، جنبش دانشجویی ، جوانان ، کارگران ، زنان ، نویسندگان و هنرمندان ، نهادهای مدنی ، مدافعان محیط زیست و خلق های محروم از حقوق ملی و فرهنگی نیروهای پشتیبان اصلاحات هستند . ما در مبارزه علیه استبداد حاکم و برای تداوم و تعمیق اصلاحات بر این نیروها تکیه داریم .

\* ما از مطبوعات مستقل و منتقد و از روزنامه نگاران آزادیخواه در برابر یورش تمامیت خواهان و از مبارزه آنان برای تامین آزادی بیان و عقیده ، گردش آزادانه اخبار و اطلاعات در برابر مدافعان جامعه تک صدایی دفاع میکنیم . ما روزنامه نگاران آزادیخواه را ببارزه علیه سانسور فرا میخوانیم .

\* ما حمایت از نویسندگان ، هنرمندان و فرهنگ سازان و تشکل های آنها در مقابل اقدامات سرکوبگرانه وظیفه خود میدانیم .

\* دفاع از جنبش اعتراضی کارگران ، کوشش در جهت پیوند آن با جنبش دمکراتیک و سایر جنبش های اجتماعی ، حمایت از مطالبات و حقوق کارگران و تلاش آنها برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری از عمده وظایف ما است .

\* ما از آزادیهای فردی و اجتماعی جوانان و از خواسته و مشارکت آنان در حیات سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی کشور و از تجمعات جوانان برای ابراز شادی ، اعتراض و ابراز مطالبات دمکراتیک حمایت میکنیم .

\* ما از جنبش دانشجویی حمایت میکنیم و بر آزادی فعالیت گروه های دانشجویی با دیدگاههای و گرایش های سیاسی

متفاوت ، استقلال تشکل های دانشجویی از حکومت و جناح های حکومتی تاکید داریم و خواهان بازگشت جنبش دانشجویی موضع نقد قدرت هستیم .

\* مبارزه علیه مقررات ضد زن ، فرهنگ مردسالاری و مبارزه برای تامین حق برابری زن و مرد و دفاع از ایجاد تشکل های مستقل زنان وظیفه اصولی و همیشگی ما است . در شرایط حاکمیت دینی ، این مبارزه از جایگاه ویژه ای برخوردار است .

\* ما برای رفع موانع شکل گیری نهادهای مدنی و سازمانیابی گروه های مختلف اجتماعی مبارزه میکنیم و مشوق برپائی و گسترش نهادهای مدنی هستیم .

\* شوراهای محلی یکی از کانالهای مشارکت اجتماعی مردم است . ما از احیا و ارتقا نقش شوراها در سیاست گذاریها و نظارت در اداره مناطق حمایت میکنیم .

\* مبارزه با هرگونه ستم ملی ، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواسته های دموکراتیک جنبش های ملی ، تقویت تفاهم و اتحاد بین خلق های ایران در زمره وظایف ما است .

\* ما برای حفظ محیط زیست و دفاع از تشکل های سبز مبارزه میکنیم .

\* ما از قانونیت مدنی و برابری همه شهروندان در مقابل قانون دفاع میکنیم و معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروند علیه قوانین غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر و علیه کاربرد قهر برسیت شناخته شود . در مختصات کشور ما ، عدم تمکین به قوانین ضد دموکراتیک عین قانونیت است .

\* ما لازمه تداوم و تعمیق اصلاحات و برون رفت از وضعیت رکود را در آن می دانیم که جنبش اصلاحات در قالب احزاب و سازمانهای سیاسی و نهادهای مدنی متشکل شود و حضور سیاسی و اجتماعی آنها شکل قانونی بخود گیرد . ما اصلاح طلبان را فرا میخوانیم تامین و تضمین حق فعالیت آزاد احزاب سیاسی را بمثابه وظیفه دولت اعلام نماید و شرایط فعالیت قانونی سازمان ما و سایر نیروهای سیاسی که بشیوه مسالمت آمیز مبارزه میکنند و خواهان فعالیت علنی ، آزادانه و قانونی در ایران هستند ، فراهم آورند .

## ۵. راهکارها

### در عرصه سیاسی و اجتماعی

- رفع توقیف از مطبوعات مستقل و منتقد ، اصلاح قانون مطبوعات و لغو سانسور ، تامین آزادی بی قید و شرط بیان ، قلم ، مطبوعات اجتماعات ، تظاهرات و تامین آزادی های فردی و اجتماعی و لغو ممنوعیت ها در این زمینه .

- تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی ، تشکل های دموکراتیک و صنفی و رفع موانع سازمانیابی گروه های اجتماعی و نهادهای مدنی .

- لغو اعدام ، ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی ، لغو کلیه قوانین جزائی اسلامی نظیر سنگسار قصاص و حد و لغو تبعیضات مذهبی

- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی ، اعلام منع پیگرد همگانی و رفع موانع بازگشت مهاجرین .

- تغییر قوانین ناعادلانه بعنوان خواست مقدم زنان .

- حق دسترسی کلیه شهروندان به اخبار و اطلاعات و تامین گردش آزادانه آنها .

- لغو نظارت استصوابی و باز نگری در قانون انتخابات با هدف تامین و تضمین حق مشارکت تمام نیروهای سیاسی کشور ، انحلال نهادهای گزینش ، شورای عالی انقلاب فرهنگی ، دادگاه ویژه روحانیت ، دادگاههای انقلاب و تامین مشارکت برابر حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور.



- برگزاری علنی دادگاههای سیاسی و مطبوعاتی با شرکت هیئت منصفه .

- پی ریزی سیاست خارجی فعال بر اساس منافع ملی ، پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و رفع تنشج بین ملل و کشورهای مختلف جهان و تلاش برای ایجاد و تحکیم مناسبات دوستانه و برابر حقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه ، محکوم کردن تروریسم و فاصله گرفتن از جریانهای افراطی و بنیادگرا ، دفاع از دولت خودگردان فلسطین ، مذاکرات صلح خاورمیانه و عدم مخالفت با موجودیت دولت اسرائیل ، برقراری مناسبات نزدیک با کشورهای اروپا و مذاکره مستقیم و علنی با امریکا برای عادی سازی روابط بین دو کشور ، شرکت فعال در بازسازی افغانستان در چار چوب طرح سازمان ملل متحد .

## در عرصه حقوقی

برای تداوم و تعمیق اصلاحات ضروری است قانون اساسی برپایه موازین دمکراتیک و حقوق بشر باز نویسی شود ، قوانینی که ناقض حقوق بشر است ملغی گردد ، ساختار دمکراتیک جایگزین ساختار سیاسی ولایت فقیه گردد و نظام قضایی بر مبنای عرف و اصول دمکراتیک باز سازی شود .

## برای مهار بحران اقتصادی و بهسازی زندگی مردم

کشور ما با بحران اقتصادی مزمن و ریشه داری مواجهه است . تورم و رکود ، بحران صنایع ، بیکاری فزاینده ، فقر ، تعمیق شکاف طبقاتی ، شکل گیری ناهنجار قطب فقر و ثروت ، متورم شدن سرمایه های سرگردان و دلالی - تجاری ، خارج بودن بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن از نظارت دولت ، موانع عدیده در عرصه سرمایه گذاری در بخش های مولد و..... از معضلات اقتصاد کشور ما هستند .

برای برون رفت از بحران اقتصادی و ساماندهی اقتصاد کشور ، تغییر ساختار اقتصادی از طریق پیشبرد برنامه توسعه امری است ضرور . ما خواهان پیشبرد آن برنامه توسعه هستیم که برتامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی ، گسترش دمکراسی و بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت اجتماعی مبتنی باشد . اصلاحات سیاسی شرط رشد اقتصادی است اما در عین حال همزمان با اصلاحات سیاسی ، ضروری است اقدامات مناسب جهت مهار بحران اقتصادی و بهبود زندگی مردم صورت گیرد . در این راستا ما اقدامات زیر پیشنهاد میدهم :

- سرمایه گذاری در بخش مولد صنعتی ، تکنولوژی ، پژوهشی و کشاورزی مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و موانع موجود در این عرصه ها برطرف گردد .

- برای جلوگیری از متورم شدن بیشتر سرمایه های تجاری - دلالی و سرمایه های سرگردان و سرازیر شدن آن بسوی بخشهای تولیدی برنامه ریزی شود .

- مناسبات اقتصادی با تمام کشورهای جهان با نظر داشت منافع ملی بر قرار گردد .

- بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای مشابه آن تحت نظارت و هدایت دولت قرار گیرد و از آنها مالیات اخذ گردد .

- رانت های اقتصادی حذف و کمک های اقتصادی به جریانهای اسلامی در دیگر کشورها قطع گردد .

- نهادهای موازی درهم ادغام و نهادهای زاید و هزینه زا منحل گردند .

- از اهرم مالیاتی ، بودجه گذاری و سوبسید برای افزایش قدرت خرید اقشار کم درآمد و کاستن از فاصله فقر و ثروت بهره گیری شود .

- دستمزد کارگران و کارمندان در شرایط بحران اقتصادی کنونی از طریق افزایش آن ب میزان تورم سالانه تثبیت شود .

- تدابیر ضرور برای کاهش بیکاری در کشور اتخاذ گردد .

- درمان و بهداشت همگانی تامین و از صندوق های بیمه ، بازنشستگی و سازمان تامین اجتماعی حمایت شود و سیاست

ضرور برای حذف واسطه ها و دلالتها اتخاذ گردد .

بهرروز خلیق

## موخره

سند سیاسی که در اختیار رفقا قرار میگیرد بر پایه وضعیت موجود و روند هایی که از دوم خرداد باینسو جریان دارد تدوین شده است . هم چنانکه در سند اشاره شده است علانی از چرخش در اوضاع سیاسی کشور مشاهده میشود که برخی از مولفه های آن قابل رویت است ولی هنوز با قطعیت نمیتوان مشخصات آنرا ترسیم کرد . از یکسو فشار برای بی اعتبار و حذف کردن اصلاح طلبان حکومتی توسط تمامیت گرایان تشدید شده است و این امکان وجود دارد که آنها تصمیمات جدید اتخاذ کنند و از سوی دیگر روند فاصله گرفتن از جناح های حکومتی و ناامیدی از اصلاح طلبان شتاب گرفته و پتانسیل اعتراضی بالا رفته است . این احتمال وجود دارد که در ماههای آتی تحولاتی در صحنه سیاسی کشور رخ دهد . در چنین صورتی ، الزاما تغییراتی در سند داده خواهد شد .